

پیام کمیته مرکزی به مناسبت

آغاز سال تحصیلی

دانش آموزان، دانشجویان عزیز!

مردم ایران ورود شما به مدارس و دانشگاه‌ها و آغاز سال تحصیلی جدید را خوش آمد می‌گویند و برای شما آرزوی موفقیت می‌کنند. اگر حکومت اسلامی در این شادی با ما همراه نیست و با کوبیدن بر طبل خشونت و اعلام محکومیت به اعدام دانشجویان دستگیر شده به استقبال سال تحصیلی جدید می‌رود از آن روست که آینده ندارد و از فردا بیسناک است. شما آینده‌سازان ایرانید و ما همراه اکثریت قاطع مردم ایران وظیفه خود می‌دانیم همه توان خود را برای بهبود شرایط امروزی بکار گیریم تا شما بتوانید آینده بهتری را برای ایران بسازید، هم از این روست که تدارک سرنگونی این رژیم را مبرم‌ترین وظیفه خود می‌دانیم، زیرا هیچ چیز برای به‌سازی امروز و فردای ایران حیاتی‌تر از نجات از بختک جمهوری اسلامی نیست.

دانشجویان آزادبخواه!

شما با خیزش خود در تیرماه امسال نشان دادید که به درک این واقعیت مهم نائل آمده‌اید و خوش بحال مردم ایران که چنین جوانان آگاهی دارد. شما با حرکت خود در مصاف با قدرت خودگامه حاکم فصل تازه‌ای گشودید و ظهور یک جنبش نوین براندازی را نوید دادید که کشور را در مسیر تحولی بی‌ بازگشت قرار داد و خود به‌صورت یک بازیگر اصلی در صحنه سیاسی کشور ظاهر شدید. این نقش، مسئولیت سنگینی بر عهده شما می‌نهد و شناخت نقاط قوت و ضعف جنبش اولین گام برای به‌انجام رسانیدن این مسئولیت است.

دانش آموزان و دانشجویان عزیز!

بیست سال گذشته کابوسی دردناک با عواقبی سنگین برای مردم ما بود، اما انقلاب و شکست آن بدست نیروهای حاکم و گشمکش‌های سیاسی و اجتماعی این بیست ساله‌ی رنج برای شما بی‌توشه نبوده؛ آگاهی نسبتاً بالای سیاسی، درجه‌ای از سازمان‌یافتگی، پیوند طبیعی بخش عظیمی از شما با محروم‌ترین طبقات جامعه از یک‌طرف و با جامعه روشنفکری و آگاه از طرف دیگر، سهم بالای دختران در ترکیب جمعیت شما، در کنار استعداد همیشگی جوانان دانشجوی برای سازمان‌یابی و واکنش سریع، این‌ها نقاط قوت جنبش دانشجویی است که اگر به‌درستی بکار گرفته شوند می‌تواند ابزار مهمی برای شکستن موج خشونت حاکم و تداوم مقاومت دانشجویان باشد.

بقیه در صفحه ۲

دولت دینی و دین تک‌قرائتی

محمدرضا شالگونی

شبه‌ستری بحثی نظری در نقد فقه به راه انداخته‌اند که اخیراً با کشیده شدن پای منتظری به آن، به طور ویژه حساسیت برانگیز شده و می‌رود که بازتاب‌های سیاسی مستقیم پیدا کند. حرف آن‌ها این است که استخوان‌بندی اصلی فقه را می‌توان در حوزه "عبادیات محضه" حفظ کرد ولی باید در حوزه "معاملات و احکام اجتماعی" مورد تجدیدنظر اساسی قرار گیرد تا با نیازهای دنیای امروزی انطباق پیدا کند و مهم این است که منتظری ضمن دفاع از اعتبار ابدی احکام شریعت، در پاسخی که به نامه‌ی سرش نوشته، پذیرفته است که "فقه تافته‌ای انسانی" است و مثل هر رشته علمی باید مورد بحث و مناظره قرار گیرد و تکامل یابد. تردیدی نیست که دستگاه ولایت، نمی‌تواند نسبت به این بحث‌ها بی‌تفاوت بماند. اما چماقی که اکنون برای سرکوب این بحث‌ها بلند شده، چنان زخم‌خاسته است که می‌تواند نه تنها گرایش‌های مختلف "روشنفکری دینی" بلکه تعدد "مرجعیت" و حتی اجتهاد را که در شیعه از سنت ریشه‌داری برخوردار است، خفه کند. گرچه مصباح یزدی و محمد یزدی سخنگویان گرایش تندرو جناح تمامیت‌خواه رژیم محسوب می‌شوند و ممکن است همه آن جناح را پشت سر خود نداشته باشند. ولی مسلم است که منطبق‌گریزناپذیر نظام ولایت فقیه و هر نوع دولت دینی را نمایندگی می‌کنند.

بقیه در صفحه ۲

هیاهویی که سخن‌گوییان دستگاه ولایت هفته‌هاست برای تدارک "مرتدکشی" به راه انداخته‌اند، هم‌چنان ادامه دارد و جمعه گذشته اوج تازه‌ای گرفت. در نماز جمعه ۲۶ شهریور ۷۸، محمدتقی مصباح یزدی به عنوان سخن‌ران پیش از نماز، و محمد یزدی به عنوان امام جمعه موقت تهران، شدیداً به تعدد برداشت‌های دینی حمله کردند و آن را غائله و فتنه‌ای علیه اسلام و جمهوری اسلامی نامیدند. آن‌ها می‌گویند «دین اسلام با قرائت‌های مختلف سازگار نیست و یک قرائت هم بیشتر ندارد و آن قرائت پیامبر و ائمه است» و «هر کسی که گفت قرائت جدیدی از اسلام دارم باید توی دهانش زد ... اظهارنظر مخالف در خصوص ضروریات، محکمت‌ها و قطعیات اسلام چیزی جز سقوط در جهنم در پی نخواهد داشت».

گرچه این جملات، ظاهراً به دنبال بحث‌های عبدالکریم سروش و محمد مجتهدشبه‌ستری در ماه‌های اخیر، برانگیخته شده است، ولی هدف آن‌ها کوبیدن پایه‌های نظری پلاتفرم خاتمی و مخصوصاً خفه کردن آن بخش از گرایش‌های "روشنفکری دینی" است که اکنون دیگر ولایت فقیه و حتی کارآیی اجتماعی فقه در دنیای امروز را زیرسوال می‌برند. به دنبال قتل‌های زنجیره‌ای سال گذشته، در شماره‌های اخیر ماهنامه «کیان» - که به وسیله طرف‌داران سروش منتشر می‌شود - سروش و مجتهد

شمشیر آخته بر فراز گردن فرازان!

بابک مشتاق

خبر کوتاه بود، اما به اندازه کافی تکان دهنده، تا ما ضرورت یک واکنش وسیع‌تر را احساس کنیم. رهبرپور، رئیس دادگاه "انقلاب اسلامی" تهران، در کمال خون‌سردی و خیلی ساده گفت که برای چهار تن از سلحشوران آزادی که در قیام مردمی ۱۸ تا ۲۲ تیرماه بازداشت شده بودند، توسط حکام شرع، احکام اعدام صادر شده است.

آنان که دو دهه در زیر زجر ناشی از فجر "انقلاب اسلامی" بسر برده‌اند، بخوبی می‌دانند که اعتراف این آخوند تنها "مشتی است نمونه خروار". بیست سال آزگار

بقیه در صفحه ۳

موج اعتراضات

علیه صدور

احکام اعدام در صفحه ۳

اخبار کارگران و

زحمت‌کشان

در صفحه ۴

دنباله از صفحه ۱ پیام کمیته مرکزی

اها:

شناخت نقاط ضعف جنبش و غلبه بر آن‌ها نیز به همان اندازه و بلکه بیشتر برای به پیروزی رساندن این جنبش اهمیت دارد. جنبش دانشجویی هم اکنون از آماج کدام طبقات جامعه حمایت می‌کند؟ هویت خود را با کدام بخش از مردم ما پیوند می‌زند؟ این‌ها در کنار مشکل بزرگ جنبش دانشجویی یعنی نداشتن جایگاه نهادی مؤثر در ساختارهای اجتماعی و ناتوانی در زیر فشار قرار دادن مستقیم این ساختارها و فلج ساختن آن‌ها می‌تواند به سردرگمی جنبش دانشجویی منجر شود و آن را از منبع لایزال قدرت افشاری که بیش از همه تحت ستم و جور هستند جدا کرده و آن را در برابر سرکوب، خشونت، تعطیل آموزشگاه‌ها و اخراج‌ها آسیب‌پذیر گرداند.

دانشجویان آزاده!

به سنت دانشجویی قبل از سال‌های ۶۰ که رژیم در گسست شما از آن این همه تلاش کرده بنگرید! جنبشی که در برابر استبداد حاکم هرگز دچار تردید نشد و ظرفیت خود را به عطایائی از بالا محدود نکرد، جنبشی که از قدیم مکرر در مکرر و از جمله در مبارزات مربوط به گرانی بلیط اتوبوس و مراسم تدفین تختی نشان داد که با توده لگدمال شده عمیق‌ترین پیوندها را دارد و هویت خود را با هویت محرومین لگدمال شده‌ی زیر فشار جور و استبداد گره می‌زند.

این جاست منبع هویت‌یابی دانشجویی، در محل کار و زیست مردم محروم، در کارخانه و محل سکونت تهیدستان. اگر جنبش دانشجویی پلی باشد بین دانشگاه و کارخانه، بین محیط تحصیل و محیط سکونت اکثریت محروم، شکست‌ناپذیر خواهد بود. رژیم اکنون می‌کوشد با در انزوا قرار دادن جنبش دانشجویی حربه‌ی خشونت را به سیاست‌کاری و مؤثر تبدیل کند، اما اگر جنبش دانشجویی بتواند همبستگی واقعی عملی و مبارزاتی با کارگران، تهیدستان شهری و زنان بوجود آورد، آن‌چه به محاصره خواهد افتاد رژیم است. جنبش دانشجویی اگر در پیشبرد این همبستگی توفیق یابد مهم‌ترین تحول سیاسی در ۲۰ ساله بعد از انقلاب برای تداوم هدف‌های دموکراتیک و عدالت‌طلبانه را بوجود آورده است.

دانش آموزان و دانشجویان مبارزان جوانان آگاه

رژیم در مقابل شما بیش از همه تاریخ درمانده است. از این روست که به تهدید و تبلیغ سرکوب عربان متوسل می‌شود. آن‌ها با اینکار فقط عجز خود را در درک این واقعیت به نمایش می‌گذارند که وقتی مشروعیت رژیم نزد مردم از بین رفته باشد، دست زدن به سرکوب تنها ممکن است بعضی از راه‌های حرکت و اقدام سیاسی را مسدود کند، اما مردم را در براندازی رژیم و تلاش برای گشودن راه‌های دیگر شایق خواهد کرد.

اکنون تکنسین‌های اقتصادی، سقوط روزانه سطح زندگی اکثریت مردم و گسترش بی‌سابقه و شتابان تهیدستی و فلاکت، وضعیتی انفجاری بوجود آورده و خیزش‌های اعتراضی و مطالباتی توده مردم را بیش از

دنباله از صفحه ۱ دولت دینی و دین

مسئله این است که در هر دینی "قرائت‌های مختلفی می‌توانند وجود داشته باشند و عملاً هم وجود دارند، اما هر دولت دینی، ناگزیر، به یک "قرائت" واحدی از دین تکیه می‌کند و سرکوب "قرائت‌های دیگر" را از حیاتی‌ترین شرایط ادامه موجودیت‌اش می‌نگرد. به عبارت دیگر، دین تک‌قرائتی لازمه گریزناپذیر هر دولت دینی است. و هرچه مقاومت در برابر قرائت رسمی گسترش یابد، سرکوب قرائت‌های دیگر از دین خشن‌تر می‌گردد و دامنه وسیعی پیدا می‌کند. تا جایی که هر نوع قرائت غیردولتی از دین، ضددینی تلقی می‌شود و قرائت دولتی از دین صرفاً به تابعی از مصالح تبدیل می‌شود. البته نباید فراموش کنیم که این قاعده عمومی هر نوع دولت ایدئولوژیک است و منحصر به دولت‌های دینی نیست. تضاد دینی نیست که این منطق وجودی دولت دینی را اکنون خشن‌ترین گرایش جناح تمامیت‌خواه جمهوری اسلامی، روشن‌تر از دیگران درمی‌یابد و جسورانه‌تر از همه آنها بیان می‌کند. فراموش نکرده‌ایم که در دهه اول حیات جمهوری اسلامی، تندروترین گرایش "پیروان خط امام" بودند که همین منطق را پیش می‌کشیدند و جسورانه‌تر از دیگران از آن دفاع می‌کردند. هنگامی که خمینی در مقابل پریشان‌گویی‌های خامنه‌ای - که در آن موقع رئیس‌جمهور بود - اعلام کرد که «حکومت شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله است و مقدم بر تمام احکام فرعیه دین» و بنابراین برای دفاع از مصالح آن، می‌توان حتی نماز و روزه و حج را تعطیل کرد، همان‌ها بودند که به‌به گویان به دفاع از آن برخاستند و هر مخالفتی با "امام" را مخالفتی با "اسلام ناب محمدی" و خود خدا قلمداد کردند. و همان‌ها بودند که به نام دفاع از "فقه پویا"، "قرائت" دولتی از دین را بر حقیق‌ترین "قرائت دینی" قلمداد

هر زمان محتمل ساخته است. ناتوانی رژیم در پاسخگویی به ابتدایی‌ترین نیازهای جوانان و خصوصاً ایجاد کار برای آن‌ها جوانان را در صف مقدم حرکات توده‌ای قرار داده است.

آینده آستن حوادث مهمی است و رژیم می‌داند که با جدی‌ترین بحران دوران حکومت خود روبرو است. از این روست که می‌کوشد با از پای درآوردن جنبش دانشجویی زیر فشار پلیسی و سرکوب، جلوی گسترش مبارزه و گشودن جبهه‌های جدید را بگیرد، و از این روست که مقابله با موج جدید سرکوب و تلاش برای لغو اعدام دستگیرشدگان تیرماه و آزادی بی‌قیدوشرط همه آن‌ها، مجازات عاملان حمله جانب‌دار به کوی دانشگاه و تعقیب پرونده عاملین آن و عاملین قتل‌های زنجیره‌ای به یک ضرورت مبرم تبدیل شده است.

جنبش دانشجویی با تبدیل شدن به حلقه اتصال جنبش آزادیخواهی و جنبش عدالت‌طلبانه اکثریت مردم می‌تواند این گام نخست را با موفقیت پشت‌سر بگذارد و فضای آزادی را به نحوی انفجاری بگشاید. پیروزی با ماست.

۲۸ شهریور ۱۳۷۸ ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۹

کردند و "مصلحت‌نظام" را به چون و چرا ناپذیرترین اصل دین تبدیل کردند. آن‌ها می‌توانند بگویند که از اول با "قرائت سنتی" یزیدی‌ها و مصباح‌ها و خزعلی‌ها مخالف بوده‌اند؛ ولی نمی‌توانند انکار کنند که جاده صاف‌کن تاخت‌وتازهای امروزی آن‌ها بوده‌اند. مشکل اصلی ایران امروز، این یا آن قرائت از دین نیست، بلکه نفس قرائت دولتی از دین است. و این مشکلی است که بدون متلاشی شدن ولایت فقیه و رهایی از هر نوع دولت دینی غیرقابل حل است.

گرد و خاکی که مصباح یزدی و محمد یزدی بر سر تعدد قرائت‌های دینی به راه انداخته‌اند، نشان دهنده صولت و قدرت آن‌ها نیست، بیان وحشت‌شان است. اکنون ولایت فقیه نه تنها مشروعیت سیاسی، که مشروعیت مذهبی‌اش را نیز از دست داده است؛ و دولتی که خود را نماینده روحانیت شیعه قلمداد می‌کند، ناگزیر است در کنار سرکوب مردم، بخش داناتماً فزاینده‌ای از همین روحانیت شیعه را نیز تحت کنترل بگیرد و سرکوب کند. عبدالله نوری (در شماره ۲۷ شهریور ۷۸ روزنامه "خرداد") برآشفته از بیانیته پایانی اجلاس "خبرگان رهبری" می‌نویسد: «چرا دروغ، چرا غیبت، چرا تهمت، چرا تجسس، چرا حکم به غیرما انزل‌الله، چرا پایمال کردن حق مردم، چرا سیاست به نام دیانت، چرا تبعیض؟» و به تلخی اعتراف می‌کند که «آن‌ها که ادعای دین‌مداری نداشتند به دین خدا کمتر لطمه می‌زدند تا مدعیان دینی که عمل کرد غیردینی دارند». اما درنمی‌یابد که این قانون آهنین و گریزناپذیر هر نوع حکومت دینی است. هر حکومت دینی به نحوی مقاومت‌ناپذیر ناگزیر می‌شود به سیستمی داناتماً گسترش‌یابنده از دروغ و تهمت و تجسس و تبعیض تکیه کند و «سیاست را به نام دیانت» بر مردم تحمیل کند. اگر امروز موجودات دویایی مانند مصباح یزدی و محمد یزدی و علی خامنه‌ای وقاحت را به آن‌جا می‌رسانند که نظر خودشان را به نام "قرائت پیامبر و ائمه" و تنها قرائت معتبر از دین اعلام می‌کنند، همان خطی را دنبال می‌کنند که خمینی آغاز کرد. اگر امروز ادعای آن‌ها مضحک‌تر از ادعای خمینی به نظر می‌رسد - که گفت: «حکومت شعبه‌ای است از ولایت مطلقه رسول‌الله» است - به این دلیل است که مردم ایران در ده سال گذشته چیزهای زیادی آموخته‌اند و دیگر حکومت دینی نمی‌خواهند حتی اگر سکان آن به دست خود رسول‌الله باشد.

ونکوور-کانادا

درواز ۲۰ دوشنبه سپتامبر - ۲۹ شهریور در اعتراض به صدور احکام اعدام، به همت سه تشکل دموکراتیک و اجتماعی هر، انجمن مهاجرین و پناهندگان سازمان ایرانیان و جمعیت کردهای ایرانی، با حمایت اتحاد چپ کارگری-ایران - ونکوور؛ سازمان اتحاد فدائیان خلق-نهاد ونکوور؛ حزب کمونیست ایران-واحد ونکوور؛ فعالین طیف اقلیت در ونکوور؛ شورای فعالین سوسیالیسم کارگری (کارگر امروز) ونکوور؛ سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) آکسبوی در برابر آرت کالری برگزار شد.

موج اعتراضات علیه صدور احکام اعدام

لندن-انگلستان

در تاریخ شب ۲۷ شهریور تظاهرات استادهای در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن برگزار گردید. در این حرکت اعتراضی تعداد زیادی از ایرانیان مقیم لندن و هم چنین تعدادی از نیروهای چپ و مترقی انگلیسی حضور داشتند. تظاهر کنندگان با حمل پلاکاردها، پخش اعلامیه و دادن شعار سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم اسلامی را محکوم کرده و بالاخص به صدور حکم اعدام ۴ تن از دانشجویان اعتراض کردند. این تظاهرات استاده به دعوت «کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران» برگزار شد. در قطعنامه پایانی این حرکت از جمله بر آزادی کلیه دستگیر شدگان تأکید شده است. اعمال فشار بر رژیم اسلامی برای توقف سیاست‌های سرکوبگرانه و نیز تشکیل تریبونال بین‌المللی برای محاکمه سران رژیم به جرم جنایت علیه بشریت از دیگر خواسته‌های تظاهرات کنندگان شهر لندن می‌باشد.

«کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران» از این نیروها تشکیل گردیده است: اتحاد چپ کارگری ایران- حزب کمونیست ایران- چریک‌های فدائی خلق ایران- سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)- کمیته دفاع از جنبش کارگری ایران- کمیته ۸ مارس- سازمان دمکراتیک و ضدامپریالیست انگلستان- جمعیت دفاع از مبارزات و حقوق زنان در ایران.

هانور-آلمان

بزرگداشت مراسم ۱۰ شهریور در هانور شب ۱۸ سپتامبر-۲۸ شهریور به مناسبت دهم شهریور، سالروز قتل عام زندانیان سیاسی در ایران، مراسمی از سوی کمیته دفاع از آزادی اندیشه، قلم، بیان و اجتماعات در ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)- واحد هانور، حزب کمونیست ایران-هانور، هسته اقلیت، سازمان چریک‌های فدائی (اقلیت) هانور، انجمن کارگزاران مهاجر و تبعیدی-هانور، خانه هنر و اتحاد چپ کارگری ایران-هانور برگزار گردید. در این مراسم که حدود ۱۵۰ نفر حضور داشتند، در ابتدا بیانیه کمیته برگزار کننده قرائت گردید. سپس توسط یک خواننده فرانسوی ترانه‌هایی از ایران، ترکیه، ایتالیا، امریکای لاتین، یونان، فرانسه و... همراه با گیتار سروده شد. بیان خاطرات دو زندانی سیاسی از رژیم شاه و جمهوری اسلامی، اجرای برنامه توسط گروه موسیقی ایرانی و دکلمه شعر از دیگر بخش‌های برنامه این مراسم بود. برنامه حدود ۴ ساعت ادامه داشت.

گوتنبرگ سوئد

به دنبال مصاحبه غلامحسین رهبرپور با روزنامه جمهوری اسلامی، مبنی بر صدور حکم اعدام چهار تن از رهبران جنبش اعتراضی دانشجویان در ۱۸ تیرماه، «کمیته حمایت از آزادی‌های مردم ایران-گوتنبرگ، سوئد» با صدور اطلاعیه‌ای با عنوان: «علیه موج اعدام و کشتار در ایران به خیابان بیانیم»، سازماندهی یک حرکت اعتراضی را بر علیه احکام اعدام، دستگیری‌ها، زندان و آزادی بی‌قیدوشرط تمامی دستگیرشدگان در روز دوشنبه ۱۳ سپتامبر ۹۹ تدارک دید.

انبوه اجتماع کنندگان ایرانی در کنار فعالین حزب چپ و جوانان چپ سوئد، خشم و اعتراض خود را بر علیه صدور احکام صادره و آزادی بدون قیدوشرط زندانیان سیاسی اعلام داشتند. سخنران این تظاهرات خانم کارین مستول حزب چپ گوتنبرگ بود که اعلام داشت: «ما ضمن محکومیت این اعدام‌ها خواهان مداخله مجامع بین‌المللی و طرفدار حقوق بشر بر علیه دستگیری‌ها و ... می‌باشیم. امروز دو تن از نمایندگان پارلمانی حزب ما با صدور اطلاعیه مطبوعاتی ضمن محکوم کردن احکام اعدام‌ها و ابراز نگرانی خود نسبت به جان دستگیر شدگان، خواهان این شدند که سازمان ملل و نماینده حقوق بشری آن گالیندیل بتوانند در این اوضاع مداخله فعال نمایند و لغو حکم اعدام این چهارتن و آزادی همه زندانیان سیاسی در ایران (شدند). در این میتینگ، فعالین گروه‌ها و سازمان‌ها با خواندن اطلاعیه‌های خود، اعلام همبستگی نمودند.

استکهلم سوئد

کمیته همبستگی با مبارزات دانشجویان در ایران در هفته گذشته ۲ تظاهرات علیه صدور احکام اعدام و برای آزادی کلیه دستگیرشدگان، برگزار کرد. یک تظاهرات روز سه‌شنبه ۱۴ سپتامبر-۲۳ شهریور در مقابل دانشگاه استکهلم برای جلب نظر دانشجویان این دانشگاه به مسائل دانشجویان در ایران و سپس یک تظاهرات روز ۱۷ سپتامبر-۲۶ شهریور در میدان مرکزی شهر. همچنین شورای حمایت از مبارزات مردمی در شهر استکهلم با برگزاری تظاهرات در مقابل سفارت جمهوری اسلامی، میدان مرکزی شهر و مقابل نخست‌وزیری اعتراضاتی را علیه صدور احکام اعدام و برای آزادی کلیه دستگیرشدگان سازمان داد. تعدادی از فعالین استکهلم روز جمعه ۱۷ سپتامبر دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی را به مدت چند ساعت اشغال کردند.

است که کشته‌اند؛ روزهایی چند نفر، چند نفر؛ روزهایی هزار نفر، هزار نفر. قتل عام بیش از ده هزار نفر در شهریور ۱۳۶۷ و پیش از آن اعدام هزاران زندانی سیاسی و معترض خیابانی در فاصله سال‌های ۶۰ و ۶۳، چنان بر مردم رنج کشیده کشورمان آوار شده‌اند که تو گویی باید "خوشحال" بود که از میان حدود دو هزار بازداشتی جنبش دانشجویی و مردمی تیرماه عجالتاً فقط چهار نفر در ارایه مرگ قرار داده شده‌اند. واقعیت این است که جمهوری اسلامی اگر می‌توانست تردیدی در سربه نیست کردن هزاران زندانی سیاسی موجود در شکنجه‌گاه‌های ایران نمی‌کرد. شرایط ملت‌ب و دوره انقلابی موجود اجازه چنین ریسکی را به رژیم خون و جنایت نمی‌دهد. هم افکار عمومی بین‌المللی و هم خشم توفنده مردم کشورمان، امکان انجام اراده در میان حکومتیان برای تحقق چنین سناریوی شومی را از جلادان حاکم سلب نموده است.

در این لحظه مشخص دست یازیدن رژیم به حریت قتل عام، نشانه نشستن بر سر نیزه است نه تکیه بر آن، رژیم اسلامی اما امیدوار است که با تیرباران تعدادی از سازمان‌دهندگان جنبش انقلابی تیرماه، هم انتقام خود را از این قیام شش روزه بگیرد و هم درس "عبرت" برای دیگر آزادی‌خواهان بر جای نهد که هوس تکرار چنین خیزش‌هایی را از مخپله خود به دور کنند. آن‌ها ولی کور خوانده‌اند زیرا که ما بسیاریم! آن‌ها خوب می‌دانند که در این بیست سال "هر شب ستاره‌ای به زمین می‌کشد و باز این آسمان غم‌زده غرق ستاره‌هاست". این را اگر کسی نداند، رژیم جنایت و کشتار خوب باید بداند. از خون به خاک افتاده‌گان تنها گل نمی‌روید مشت نیز جوانه می‌زند. این جوانه انبوه میلیونی جوانانی هستند که غالباً از صفوف خانواده‌های کارگری و زحمتکش برخاسته‌اند. جوانانی که اگر چه در این رژیم به دنیا آمده و یا بالغ شده‌اند و بالاچار تحت فشار پوسیده‌ترین افکار قرون وسطایی بوده‌اند، حاضر نیستند و نخواهند بود که شادی و آزادی‌شان را با تَجَر و اخناق تقویض کنند. اینک آن‌ها خواب خوش را از چشمان ترسان حاکمان روده‌اند.

به همین خاطر است که علی‌مشگینی رئیس مجلس خبرگان در نشست فوق‌العاده آن در مشهد، از توطئه دشمنان نظام برای به سیاست کشیدن جوانان سخن گفت و افزود: «هجمه دشمنان به این حکومت شدیدتر، قوی‌تر و صریح‌تر شده و حتی جوانان را که نیروی فعال و محرکه جامعه هستند، وارد سیاست می‌کند. جوانان را به عنوان نیروی خوب جامعه باید به انسان‌های کامل تبدیل کرد تا اگر وارد سیاست شدند، سیاست‌شان توأم با دیانت باشد». به راستی چه مضحک است رژیمی که دیروز با پائین کشیدن حداقل سنی رأی‌دهنده‌گان از ۱۸ به ۱۶ و سپس ۱۵، از آن‌ها برای موجه جلوه دادن رژیم فاشیستی خود بهره جست و یا از نونهالان و جوانان آینده‌ساز کشورمان هزار هزار به عنوان گوشت دم‌توپ و یا برای خنثی‌سازی مین‌ها استفاده می‌کرد تا جنگ ارتجاعی ۸ ساله‌اش را تداوم بخشد، اینک از "سیاسی" شدن جوانان، نگران و نالان است. و صدالبته جای نگرانی هم هست چون رژیم در هیبت این توده رنج و ستم، گورکنان خود را می‌بیند. پس چاره را در به‌گور فرستادن تعدادی از سلحشوران این کشور می‌بیند، شاید که چند صباحی دیگر سقوط گریزان‌ناپذیر به زباله‌دانی تاریخ (جابگاه جبری همه دیکتاتورها) را به تعویق بیندازد.

وظیفه ما است که نگذاریم رژیم اسلامی، ما را و عزیزان رزمنده را در راهیمنائی محتوم خویش به سوی سراسیمگی و نیستی با خود همراه کند. آبادی تباهی‌های عظیم این نکبت، دنیائی از کار و بیشمار بازوان طلب می‌کند پس حفظ جان تک‌تک آن‌ها که قلب‌شان برای آزادی، شادی و برابری می‌تپد، وظیفه تخطی‌ناپذیر هر انسان و نیروئی است که در اندیشه‌ رهایی کشور است. به راه انداختن یک کارزار گسترده در داخل و خارج برای جلوگیری از اعدام مبارزین در بند، پاسخ فوری ما به خفاشانی است که هوس خون تازه نموده‌اند.

هامبورگ-آلمان

روز جمعه ۲۶ شهریور، به دعوت شورای هماهنگی ایرانیان-هامبورگ مراسم یادمان جانباخته‌گان شهریورماه ۶۷ برگزار شد. سالن برگزاری با شعارها و تصاویر متعددی در رابطه با قتل عام زندانیان و عکس‌های جنبش انقلابی و نیز تصاویری از جنبش اخیر دانشجویی آراسته شده بود. مراسم با یک دقیقه سکوت، به احترام جان‌باخته‌گان، آغاز گردیده و در ادامه یکی از برگزارکنندگان این مراسم، در ضرورت بزرگداشت یادمان این عزیزان سخن گفت. در این برنامه، دو تن از زندانیان سیاسی به بازگویی خاطرات خود از زندان‌های جمهوری اسلامی پرداختند. در فواصل مراسم دکلمه و شعرخوانی‌های متعددی همراه و با اجرای موسیقی و آواز اجرا گردید. در این مراسم بیش از ۹۰ نفر شرکت داشتند، و حدوداً ۳ ساعت به طول انجامید.

هامبورگ-آلمان

به دعوت شورای هماهنگی ایرانیان هامبورگ و برخی دیگر از نهادهای ایرانی، آکسیون اعتراضی در محکومیت صدور حکم اعدام دستگیرشدگان، در روز ۱۹ سپتامبر در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در هامبورگ برگزار گردید. این آکسیون که از ساعت ۱۲ تا ۲ بعدازظهر ادامه داشت شعارها و پلاکاردهای متعددی در محکومیت رژیم جمهوری اسلامی حمل می‌گردید. برگزار کنندگان مراسم ضمن محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه رژیم و دادن شعارهای افشاگرانه، ضمن هشدار به رژیم که عواقب سرکوب خشن جنبش مردمی، دامن‌گیر خود رژیم خواهد بود، خواستار آزادی زندانیان سیاسی گردیده و حمایت خود را از جنبش ضداستبدادی اعلام نمودند.

فرانکفورت-آلمان

در اعتراض به صدور حکم اعدام برای ۴ نفر از دانشجویان دستگیر شده در تظاهرات تیرماه امسال، کمیته هماهنگی نیروهای چپ و مترقی شهر فرانکفورت و شورای ایرانیان دموکرات و مترقی شهر ماینس آلمان، در روزهای جمعه ۲۶ و شنبه ۲۷ شهریور، تظاهرات ایستاده‌ای را با شرکت جمعی از ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی برگزار کردند. در این تظاهرات اطلاعیه‌هایی به زبان آلمانی که خواسته‌ها و اهداف دانشجویان معترض ایرانی و حمایت از دستگیرشدگان اخیر در آن مطرح شده بود، در میان مردم شهر توزیع شد.

خواسته‌های تظاهرکنندگان که مرتباً بزبان آلمانی از بلندگو پخش می‌شد، به قرار زیر بود:

- ۱- آزادی بی‌قیدوشرط تمامی زندانیان سیاسی، منجمله دستگیرشدگان حرکات اعتراضی دانشگاه‌های ایران، ۲- لغو حکم اعدام دانشجویان، ۳- موضع‌گیری صریح دولت آلمان در رابطه با حکم اعدام دانشجویان و محکومیت جمهوری اسلامی برای صدور احکام ضدانسانی، ۴- اعلام ایران به عنوان کشور ناامن و رسیدگی به وضعیت پناهنجویان و پذیرش تقاضای پناهندگی ایرانیان. تظاهر کنندگان در طول این حرکت به تناوب با دادن شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "سرنگون باد جمهوری اسلامی" به محکومیت رژیم جنایتکار اسلامی پرداختند.

پاریس-فرانسه

در روز سه‌شنبه ۱۴ سپتامبر و با فراخوان انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در پاریس در میدان پنا نزدیک سفارت جمهوری اسلامی ایران تظاهرات ایستاده‌ای را با حضور بیش از صد تن از ایرانیان در اعتراض به سیاست اعدام دانشجویان و بسیج افکار عمومی برای جلوگیری از آن صورت گرفت.

در بعدازظهر شنبه ۱۸ سپتامبر-۲۷ شهریور بیش از ۲۵۰ تن از ایرانیان و نمایندگان حزب سبزها و حزب سوسیالیست به مناسبت یادمان کشتار زندانیان سیاسی در تابستان سیاه ۶۷ گردهم آمدند. با این گردهم‌آیی بسیاری از سازمان‌ها و احزاب ایرانی از جمله سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و تشکلات دموکراتیک و حزب سبزهای فرانسه و نماینده انترناسیونال سبزها و یک بخش از حزب سوسیالیست با ارسال پیام اعلام همبستگی کرده و نگرانی خود را از درخطر بودن جان دانشجویان بیان داشتند. آقای مهدی اصلانی به عنوان زندانی‌یی که شاهد کشتار سال ۶۷ بود گزارش بسیار تازه از آن‌چه که بر عزیزان به خون خفته مردم گذشت ارائه داد، که جمع را به شدت تحت تأثیر قرار داد. سپس آقای منصور کوشان در سخنرانی خود بررسی چرانی زندان و شکنجه در نظام‌های استبدادی بویژه جمهوری اسلامی ایران، مطرح کرد و ادامه داد که جامعه مدنی محمد خاتمی و قانون‌گرانی آن در چهارچوب قانون اساسی است که قانونی است برای قانونی کردن زندان، شکنجه و اعدام و جامعه مدنی در چهارچوب قانون اساسی، ضداورش‌های بشری و حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی. این قانون و جامعه مدنی‌اش به نفی هویت فرد، جامعه و بی‌حقی عمومی می‌انجامد. و طرفدارای از این دیدگاه را طرفداری از استبداد مذهبی ارزیابی کرد. در آغاز این نشست گزارش مفصلی از سیاه‌کاری‌های، کشتارها و زندان‌های رژیم شکنجه و کشتار جمهوری اسلامی به عنوان بیان کار رژیم داده شده و با اجرای موسیقی ایرانی و کردی مراسم پایان یافت.

برلین-آلمان

به دعوت کمیته دفاع از زندانیان سیاسی در ایران-برلین؛ اتحاد چپ کارگری ایران؛ سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران-کمیته آلمان؛ کانون فرهنگی هنری ایرانیان-برلین (هنر تبعید)؛ بخشی از فعالین چپ برلین و حمایت کانون پناهنده‌گان سیاسی ایرانی - برلین؛ سازمان فدائیان(اقلیت) - تشکیلات خارج کشور؛ تریونال بین‌المللی برای محاکمه رژیم جمهوری اسلامی بخاطر جنایاتش علیه بشریت؛ جامعه بین‌الملل حقوق بشر-گروه ایران از روز دوشنبه ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۹-۵ مهرماه ۱۳۷۸ از ساعت ده صبح تحصن و اعتصاب غذای در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در برلین برگزار می‌شود. تلنسن تلفسن ۰۱۷۹۲۹۰۱۶۱۸- (01792901618)

در روز دوشنبه ۲۰ سپتامبر نیز تظاهراتی به دعوت کانون پناهنده‌گان سیاسی ایرانی-برلین در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی برگزار شد.

کارگران و زحمت‌کشان

تحصن کارگران علاءالدین

دهم شهریورماه ۷۸ کارگران کارخانه علاءالدین، در اعتراض به نیرداختن دو ماه دست‌مزد خود، دست به تحصن زدند. یکی از کارگران این کارخانه که از وضعیت موجود به تنگ آمده بود، در جریان تحصن، اقدام به خودکشی نمود، که به شدت مجروح شد. این کارگر، همراه با همسر و فرزندان خود به کارخانه آمده بود. کارخانه علاءالدین، واقع در کیلومتر ۸ جاده مخصوص کرج، بیش از ۳۰۰ کارگر دارد. کارگران این کارخانه، که به بخش خصوصی واگذار شده است، ماه‌هاست که از عدم دریافت به موقع حقوق و مزایای خود رنج می‌برند. در اسفند ماه گذشته نیز، نزدیک به ۲۵۰ نفر از کارگران این کارخانه، به خاطر نیرداختن دست‌مزد بهمین و اسفند خود، اقدام به برپایی یک تجمع اعتراضی کرده بودند.

اعتراض کارگران پشم‌بافی کشمیر

کارگران کارخانه پشم‌بافی کشمیر کرمانشاه، در نیمه اول شهریور ۷۸، با انتشار یک اطلاعیه، به نیرداختن چهار ماه دست‌مزد خود اعتراض کردند. این کارگران، ضمن اعتراض به نحوه مدیریت کارخانه، که سبب کاهش تولید شده است؛ تهدید نمودند که در صورت برآورده نشدن خواست‌های‌شان، دست به اعتصاب خواهند زد. کارخانه پشم‌بافی کشمیر، با ۴۰۰ کارگر، از واحدهای بزرگ صنعتی کرمانشاه است، که اینک در آستانه رکود کامل قرار دارد.

اعتراض کارگران شرکت پاک‌دام

شرکت پاک‌دام، واقع در شهریار کرج، یک‌صد کارگر دارد، و خصوصی است. جمعی از کارگران این شرکت، در روز نهم شهریور ۷۸، با انتشار نامه‌ای، به پایین بودن دستمزدها و وضعیت حاکم بر شرکت، به شدت اعتراض نمودند. در نامه‌ی کارگران، از جمله آمده است: (وضعیت به گونه‌ای است که جمعی از کارگران را وادار به امضای نامه تقاضای بازنشستگی می‌کنند، در حالی که نه کارگر تمایل به بازنشسته شدن دارد و نه طبق قانون، این عمل صحیح است. در این شرکت به هر حربه‌ای که شده، می‌خواهند کارگران را تحت فشار قرار دهند و انواع و اقسام مقررات من‌درآوردی را اجرا می‌کنند، مثلاً بخشی را که شش کارگر مشغول به کار بوده‌اند، به چهار یا حتی سه کارگر کاهش داده‌اند و یا این که اعلام نموده‌اند که کارگران از ساعت ۷ صبح تا ۵ بعدازظهر، حق خروج از شرکت را ندارند، در حالی که عده‌ای از کارگران شب‌کار می‌باشند و یا کار خود را در چند نوبت انجام می‌دهند (لازم به یادآوری است که منزل مسکونی کارگران در داخل شرکت است). مگر کارگران بوده هستند که پس از اتمام ساعت کار باز هم می‌بایست در اختیار شرکت باشند و اراده انجام کاری را نداشته باشند. مگر این جا پادگان است!!)